



# سرزمینِ شگفت‌انگیز

تصویرگر: کیانا میرزایی

سلام دوست خوبم  
 وقتی کوچک بودم، خاله سوسکه‌ای را می‌شناختم که با یک آقا موشه عروسی کرد.  
 لاک‌پشتی را می‌شناختم که دوست داشت پرواز کند و آخرش به کمک دو تا مرغابی  
 به آسمان رفت. یک خروس بود که از روباه‌ها نمی‌ترسید. یک کلاغ هم بود که به او  
 می‌گفتند کلاغ خوش‌خبر. همه‌ی این‌ها را در کتاب‌ها شناخته بودم.  
 حالا هم خیلی چیزها هست که دلم می‌خواهد بدانم. برای همین خیلی کتاب می‌خوانم.  
 تو هم دلت می‌خواهد خیلی چیزها را بدانی؟ کاری ندارد، همین‌طور که آرام آرام  
 باسواد می‌شوی، کتاب بخوان.

کتاب‌ها برای ما قصه‌ها و حرف‌های جالب و شگفت‌انگیز دارند.  
 بچه‌ها! به سرزمین کتاب‌خوان‌ها خوش آمدید.

مهری ماهوتی

